

تأثیر مسایل ایدئولوژیک بر سیاست خارجی عربستان در قبال ایران از سال ۲۰۰۳ به بعد

سید محمد موسوی^۱ - رامین بخشی تلیایی^۲

تاریخ دریافت: 91/4/23

تاریخ تصویب: 91/6/21

چکیده

هدف اصلی این مقاله بررسی، تحلیل و ارزیابی تأثیر مسائل ایدئولوژیک عربستان بر سیاست خارجی این کشور پس از سال ۲۰۰۳ در قبال سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران می‌باشد، که تحت تأثیر این مسایل روابط ایران و عربستان دچار نوسانات شدیدی شده است؛ در واقع مسایلی چون مذهب سنی و وهابیت، رهبری جهان اسلام و نوع روابط این کشور با غرب سبب تقابل ایدئولوژیک با ایران و اتخاذ سیاست‌های خصمانه نسبت به مواضع ایران شده است. در این مقاله به بررسی تأثیر این مسایل و سیاست‌های غیر دوستانه‌ی عربستان ناشی از این مسایل می‌پردازیم.

واژه‌های کلیدی: مسایل ایدئولوژیک، سیاست خارجی، عربستان، ایران، ۲۰۰۳ به بعد.

1. دانشیار و عضو هیأت علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه پیام نور (s46mosavi@yahoo.com).

2. دانشجوی کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبائی (bakhshiramin14@yahoo.com).

مقدمه

کشورهای نزدیک به هم از نظر جغرافیایی غالباً ارتباط سیاسی دو جانبه را شکل می‌دهند و سیاست خارجی آنها به شدت از همسایگان تأثیر می‌پذیرد و این تأثیرپذیری به ویژه براساس اندازه‌های طبیعی و سطح چسبندگی، ماهیت ارتباط بین کشورها و ساختار روابط میان آنها می‌باشد. موقعیت خلیج فارس به گونه‌ای است که این منطقه را به محل تلاقی نیروهای متضاد بدل ساخته است. روابط امنیتی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی ایران و عربستان به شدت متأثر از سیاست خارجی دو کشور است. به نظر می‌رسد که از سال ۱۹۷۹ تاکنون، دو کشور از مرحله‌ی اعتماد سازی خارج شده و هنوز تفاهم مشترکی بین دو کشور در قبال مسائل حساس منطقه‌ی خاورمیانه به وجود نیامده است. با وقوع انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ منطقه خلیج فارس تغییرات استراتژیک جدیدی را تجربه کرد که کاملاً تا قبل از آن تفاوت داشت؛ به دلایل متعدد زمینه‌های تعارض و اختلاف در روابط ایران و عربستان توسعه یافته است. در بعد منطقه‌ای کشورهای خلیج فارس از استراتژی صدور انقلاب به سبک ایران به کشورهای خود اظهار نگرانی کردند. سعودی‌ها رویه‌ی رادیکال ایران را به عنوان یک عامل عدم اطمینان و برهم زنده وضع موجود در منطقه و فراهم آوردن زمینه‌ی مشابه علیه خود تلقی نمودند؛ در مقابل اقدامات ایران، عربستان سعودی علیه منافع ایران اقداماتی را آغاز کرد.

تقابل شیعه و وهابیت

تماس جغرافیایی نژاد آریایی و سامی همراه با فرقه‌های عمده‌ی شیعه و وهابی در ایران و عربستان عامل پیدایش و تقویت ایدئولوژی‌های متعارض بنیادگرا و ناسیونالیست قومی در منطقه شده است. اختلاف بین شیعه و وهابی‌گری پس از سال ۱۳۵۷ وضعیت تازه‌ای به خود گرفته است و پیامدهای آن بین سال‌های ۱۹۷۹ تا ۱۹۹۷ موجب گسترش اختلافات

در حوزه‌های مختلف پاکستان، افغانستان، کشورهای آسیای مرکزی و کشورهای حوزه‌ی خلیج فارس شده است (حافظ نیا و رومینا، ۱۳۸۶: ۵).

از سوی دیگر پس از انقلاب به سرعت ایدئولوژی سیاسی و انقلابی شیعه در مقابل ایدئولوژی سنی و وهابی به رهبری عربستان قرارگرفت به نحوی که هر دو ایدئولوژی مشروعیت یکدیگر را زیر سؤال بردند. ایدئولوژی‌های حاکم بر دوکشور ایران و عربستان «شیعه‌ی انقلابی و سنی وهابی» همراه با مداخلات قدرت‌های بزرگ به عنوان عامل اساسی تأثیر گذار در روند روابط دوکشور قابل ملاحظه است (همان: 3).

دو کشور در زمینه‌هایی فاقد روابط دوستانه می‌باشند؛ نگاه وهابیت به شیعه نگاهی حاکی از کینه است که معتقد است کشتن یک شیعه، از کشتن یک کافر ثوابش بیشتر است. وهابیت به عنوان یکی از فرق اسلامی با یاری‌خواهی از اندیشه‌های ابن تیمه و دیگران در قرون ۷ و ۸ هجری قمری در قرن دوازدهم هجری قمری به وسیله‌ی محمد بن عبدالوهاب، بنیان گذاشته شد. اصولاً پیروان این مکتب با مسایل اساسی اسلام، مانند پی‌ریزی حکومت اسلامی در جهان، مبارزه با صهیونیسم و آزاد سازی قدس کاری ندارند. تفکر تحجرگرا و منجمد وهابیت جز مخالفت با اسلام هدف دیگری را دنبال نمی‌کند؛ تنها نتیجه‌ی فرقه‌ی وهابیت ایجاد اختلاف در میان مسلمانان است. مسایل اختلاف برانگیزان شیعه و سنی از جمله برون دادهای وهابیت است تا از اتحاد اسلامی جلوگیری شود (جمشیدی راد، ۱۳۸۹: ۲).

وهابیت، شیعه را دشمن شماره یک خود می‌داند و طالبان که مظهر وهابیت در منطقه به شمار می‌رود، تبلیغات وسیعی را علیه شیعیان انجام می‌دهند. هدف اصلی وهابیت حمله به شیرازهی جامعه‌ی اسلامی است؛ آنچه خطر این فرقه را نشان می‌دهد، عزم وهابیت در نابودی همه‌ی مذاهب و اندیشه‌های ناهمخوان با اسلوب افراطی در میان آن است (جمشیدی راد، ۱۳۸۹: ۱۴).

اسقرار یک جامعه‌ی اسلامی براساس مبانی شیعه برای تمامی مسلمانان جهان از دیگر اهداف ایران می‌باشد. نگرش شیعه به اسلام سیاسی، با نگرش اهل سنت بسیار متفاوت است؛ این دو نگرش متفاوت بالطبع مانع تبعیت اهل سنت از جامعه‌ی آرمانی شیعه به عنوان الگویی برای جهان است. مذهب وهابیت اصولاً شیعه را کافر و رافضی می‌داند. بیش از ۲۰ تن از علما و مفتیان این مذهب در فتواهای خود حکم به کفر شیعیان داده‌اند. اصولاً مبانی و اصول شیعه با مبانی اهل سنت در تقابل است؛ در واقع آنچه تفاوت دو نگرش سنی و شیعه به جامعه‌ی الگو را آشکار می‌سازد، تفسیر کاملاً متفاوت علمای دو مذهب از مفهوم اولی‌الامر است. در فقه شیعه اولی‌الامر به ائمه و پس از غیبت امام دوازدهم به فقیه جامع‌الشرایط که نایب امام محسوب می‌گردد، تفسیر می‌شود. برخلاف این تفسیر در فقه اهل سنت، اولی‌الامر اغلب به حاکمان مسلمانی که جامعه را اداره می‌کنند، تفسیر می‌شود (آقایی و احمدیان، ۱۳۸۹: ۱۰).

جمهوری اسلامی ایران و عربستان دو کشور مهم و تأثیرگذار حوزه‌ی خلیج فارس و منطقه استراتژیک خاورمیانه محسوب می‌شوند؛ از سوی دیگر تمرکز قدرت دو گروه اصلی مسلمانان یعنی شیعیان و اهل سنت در دو کشور ایران و عربستان این کشورها را به دو قطب فرهنگی و مذهبی در جهان اسلام تبدیل کرده است (نادری نصب، ۱۳۸۹: 316).

واقع شدن دو شهر مذهبی مسلمانان یعنی مکه و مدینه در عربستان، این کشور را در کانون توجهات مسلمانان قرار داده است. اکثر مسلمانان این کشور سنی مذهب و تابع مسلک وهابیت هستند. شیعیان حدود ۴ درصد جمعیت عربستان را تشکیل می‌دهند و تحت تبعیض‌های اجتماعی و حقوق شهروندی قرار دارند (نادری نسب، ۱۳۸۹: 318).

هرچند تفاوت‌های قومی - مذهبی فی‌نفسه مانع گسترش روابط نمی‌شود، اما چنانچه رقابت دو کشور شیعه - فارس و سنی - عرب بر سر رهبری منطقه و جهان اسلام را به این

تفاوت اضافه کنیم، خواهیم دید که امکان همکاری این دو کشور به نحو قابل توجهی کاهش می‌یابد. تاریخ اختلافات مذهبی دو کشور با اوج گرفتن ناسیونالیسم عرب و فارس در کشورهای عربی و ایران بُعد قومی نیز به خود گرفت. در عربستان اسلام وهابی در پیوند با عربیت، بُعد مذهبی و قومی را در یک چارچوب فرهنگی در مقابل سایر اقوام قرار می‌دهد؛ همچنان که ایران پیش از انقلاب تأکید خاصی بر تاریخ ایران پیش از اسلام و شکوه و جلال ایرانیان در مقابل سایر اقوام داشت (آقایی و احمدیان، ۱۳۸۹: ۱۱).

تقابل بین غرب گرایی عربستان و مقابله با غرب در ایران

دیدگاه ایران در مورد عدم دخالت قدرت‌های بزرگ در منطقه که در طول چند دهه در ارتباط با خلیج فارس وجود داشته و نقطه نظر عربستان سعودی که در جستجوی امنیت منطقه‌ی ژئوپلیتیک خلیج فارس از طریق قدرت‌های فرا منطقه‌ای بوده است. عربستان همواره مورد حمایت آمریکا و غرب بوده لذا سیاست خارجی آن در راستای سیاست‌های جهانی غرب و مخصوصاً آمریکا قرار داشته است (حافظ‌نیا و رومینا، ۱۳۸۶: ۳).

استقلال‌طلبی جمهوری اسلامی ایران در اصل در برابر مداخله‌گرایی قدرت‌های بزرگ و به‌خصوص آمریکا تعریف می‌شود. ایران در عمل نیز با اتخاذ سیاست مقاومت در برابر مداخله‌گری قدرت‌های بزرگ خارجی، نشان داد که امکان تغییر وضع موجود وجود دارد. به چالش کشیدن دولت‌های عربی منطقه، توسط مقامات ایران عمدتاً با این استدلال صورت می‌گرفت که آنها به منافع و ملاحظات ملت‌های خود پشت کرده و به خاطر حفظ قدرت خویش به قدرت‌های خارجی متوسل شده‌اند. ایران در مورد نحوه‌ی تعامل با قدرت‌های خارجی خواهان اتخاذ مواضع تهاجمی بوده و ترس و محافظه‌کاری را آسیبی بزرگ معرفی کرده است (قنبرلو، ۱۳۹۰: ۱۷).

در خصوص تعارض ایران با اسرائیل و آمریکا، عربستان سعودی از زمان اکتشاف نفت و تأسیس شرکت نفت عربستانی - آمریکایی آرمکو همواره سعی خود را بر این داشته است که روابط حسنه‌ای با آمریکا داشته باشد. این روابط یکی از حساس‌ترین و مورد توجه‌ترین جنبه از سیاست خارجی عربستان سعودی است؛ بر این اساس عربستان از دهه ۱۹۷۰ تاکنون همکاری‌های امنیتی و نظامی لازم را با آمریکا انجام داده است و سعی دارد، با اتکا به آمریکا نقش نخست را در منطقه به‌خصوص در خلیج فارس ایفا کند. برخلاف این رویکرد همکاری جویانه، جمهوری اسلامی ایران پس از انقلاب رابطه‌ی خود را با آمریکا و اسرائیل براساس تعارض تعریف کرده است (آقایی و احمدیان، ۱۳۸۹: ۹).

با وقوع انقلاب اسلامی، رژیم پادشاهی محافظه کار ایران که از نظر ساختاری تفاوت چندانی با رژیم آل سعود نداشت، جای خود را به یک ساختار اسلامی داد که نقطه‌ی مقابل رژیم پادشاهی بود. اصولاً رژیم‌های پادشاهی، رژیم‌های محافظه کار و طالب حفظ وضع موجودند و از نظر ساختاری نمی‌توانند پذیرای تحولات گسترده باشند؛ پادشاهی عربستان نه با ایران بلکه با کشورهای محافظه کار و حتی غیر عرب احساس همنوایی و نزدیکی می‌کند (آقایی و احمدیان، ۱۳۸۹: ۱۲).

مشارکت عربستان در طرح مهار و تضعیف ایران از سوی غرب باعث افزایش تنش بین دو کشور شده است. در مواردی شاهد بودیم که عربستان در مهار ایران پیشتازتر از دیگر کشورهای منطقه و حتی قدرت‌های بین‌المللی بوده و بازیگری بوده که روند مهار ایران را تسریع کرده است. از جمله، عربستان سعودی در روند افزایش تحریم‌های ایران نقش فعالانه‌ای داشته و حاضر شده تولید نفت خود را افزایش دهد تا کشورهای دیگر در دنیا بتوانند نفت ایران را تحریم کنند. همچنین شاهد این بوده ایم که عربستان تلاش می‌کند که در عرصه‌ی بین‌المللی فشارهای سیاسی بر ایران را افزایش دهد. (www.entekhab.ir)

حمایت از مذاهب هم عقیده (ایران، شیعه-عربستان، سنی)

پادشاهی سعودی در بُعد منطقه‌ای و فراتر از آن در حوزه‌ی جهان اسلام، نقشی مهم برای خود قایل است و با حمایت‌های مالی گسترده از کشورهای اسلامی و جنبش‌های اسلامی (البته به طور گزینشی)، در پی بسط حوزه‌ی نفوذ خود بوده است. ایران و عربستان همواره به عنوان دو کشور و دو قدرت تأثیرگذار جهان اسلام، در منطقه‌ی خاورمیانه و خلیج فارس مطرح بوده‌اند و هر کدام بنا به دلایل مشابه و متفاوت، نقشی برتر برای خود در روند تحولات منطقه‌ای قایل می‌باشند (واعظی، ۴-۱۳۸۷: ۷).

در این میان عراق پس از سقوط صدام چالش‌های شدیدی بین ایران و عربستان به وجود آورده تا جایی که تعامل معمولی دو کشور را دستخوش مشکلاتی کرده است. منافع ملی ایران و عربستان حول مسایل عراق، بیشتر از منظر و دیدگاه ایدئولوژیک نگریسته می‌شود تا جایی که عربستان در راستای همکاری بیشتر با آمریکا در زمینه‌ی سامان دهی سنی‌های عراق به رقابت شدید با ایران برسر شیعیان عراق پرداخته است (هادیان، 4:1385).

مساعده‌های ایران در طول سال‌ها و ایدئولوژی نسبتاً مشترک ایران و گروه‌های شیعی عراق به عنوان دو عامل مهم در ایجاد و نفوذ ایران بر شیعیان عراق عمل می‌کند؛ بدین گونه با به قدرت رسیدن آنها و کاسته شدن از جایگاه اقلیت سنی عراق سبب نفوذ ایران در حکومت جدید عراق پس از صدام شده است که به شکل‌گیری روابط دوستانه بین ایران و عراق انجامیده است (بهرامی مقدم، ۴۳:۱۳۸۸).

هلال شیعی بیشتر از جانب رهبران عرب از جمله ملک عبدالله پادشاه اردن، برای ضدیت با سیاست جدید ایران در امور عراق مطرح شده است؛ ژئوپولیتیک شیعه تجلی

سیاسی، قومی و فرهنگی با دو پهنه‌ی عربی و ایرانی است. تنها در ایران مذهب شیعه حکومت رسمی دارد و بقیه‌ی نقاط به ایران می‌نگرند، گسترش نفوذ ایران در عراق و دیگر مناطق، تعارض شدید منافع با عربستان و اعراب را به دنبال خواهد آورد؛ در این میان حساسیت عربستان که برپایه‌ی تعصبات بنیاد گرایانه استوار است، بیشتر از دیگران است (هادیان، ۱۳۸۵: ۶).

دفاع از مسلمانان و نهضت‌های آزادی بخش برخلاف ظاهر هیچ‌گونه انطباقی با اهداف عربستان ندارد، بلکه زمینه‌ی تعارض و کشمکش بین دو کشور را فراهم آورده است. جمهوری اسلامی ایران از بدو تأسیس و در چارچوب حمایت از نهضت‌های آزادی بخش به حمایت و کمک جنبش‌های شیعه در کشورهای عرب خلیج فارس شتافت؛ این امر منجر به تأسیس شورای همکاری خلیج فارس گردید، به علاوه عربستان سعودی سعی کرده است با بسط نفوذ خود در بین اقلیت‌های مذهبی در ایران امکانات ایدایی خود را نسبت به ایران افزایش دهد. از دیدگاه عربستان حمایت از اقلیت‌های مسلمان، به معنی کمک به نهضت‌های آزادی بخش نیست، بلکه این حمایت که به صورت اقتصادی و سیاسی انجام می‌شود، اغلب از مجاری دیپلماتیک و با کسب نظر موافق دولت مورد نظر صورت می‌گیرد و اصولاً این حمایت شامل اقلیت‌های مسلمان در کشورهای دارای اکثریت غیرمسلمان می‌شود. عربستان برای مقابله با این تهدید سعی می‌کند، جنبش‌های نهضت‌های جهان عرب را زیر چتر حمایتی خود قرار دهد، تا کنترل امور از دستش خارج نشود (آقایی و احمدیان، ۱۳۸۹: ۸).

عربستان همواره از منابع مالی و انسانی و ابزار ایدئولوژی اسلامی برای گسترش نفوذش در سراسر خاورمیانه بهره‌برداری کرده است و این ابزار از ثبات عربستان در برابر ایدئولوژی اسلام شیعی محافظت کرده است.

عربستان برای پیشبرد منافعش در صدد حمایت از اقلیت سنی عراق است. حمایت عربستان از اقلیت سنی عراق، شامل مساعدت‌های مالی، انسانی و سیاسی و دیپلماتیک است. در واقع عربستان مخالف یک عراق شیعی مرتبط با ایران است و منافع خود را در یک عراق با ثبات تحت سلطه‌ی شیعیان نمی‌یابد؛ در مجموع حمایت عربستان از سنی‌های عراق را باید در ارتباط با رقابت منطقه‌ای عربستان و ایران جستجو کرد (بهرامی مقدم، ۹۰:۱۳۸۸).

اتحاد حماس و ایران ریشه در یک ایدئولوژی مشترک سیاسی و حمایت‌های ایران از این گروه دارد، ایران و حماس دست به یک اتحاد در برابر دشمن مشترکشان اسرائیل زده‌اند.

در واقع ابتکارات عربستان در قبال مسأله‌ی فلسطین، حمایت از متحدش گروه فتح بود، در عوض جمهوری اسلامی ایران در قبال مسأله‌ی فلسطین دارای موضع مشترک با حماس است. حماس بر خلاف فتح حاضر به رسمیت شناساندن اسرائیل نیست و با جمهوری اسلامی ایران در قبال مسأله‌ی فلسطین دارای موضع مشترک هستند و آن برگزاری انتخابات آزاد در سراسر سرزمین فلسطین با بازگشت آوارگان و تشکیل یک دولت واحد است؛ به همین دلیل عربستان موضع‌گیری‌های ضد ایرانی و حماس را اتخاذ کرده است (بهرامی مقدم، 51:1388).

عربستان پس از تقسیم فلسطین به دو بخش تحت کنترل حماس و فتح، تلاش‌هایش را به منظور توافق درونی فلسطینی‌ها آغاز و فعالیت‌های دیپلماتیکش را به منظور از سرگیری مذاکرات صلح آغاز نمود. در خاورمیانه بین سال‌های ۲۰۰۳ و ۲۰۰۸ یک جبهه‌ی واحد عربی در برابر تهران، حزب‌اله و حماس شکل گرفته است؛ شکل‌گیری چنین ائتلافی در برابر انسجام محور شیعی و نقش فعال عربستان در این ائتلاف بیش از هر چیزی پاسخی به نفوذ جمهوری اسلامی ایران در منطقه است (همان: 131 و ۱۰۴).

رقابت بر سر رهبری جهان اسلام

اصولی که عربستان در سیاست خارجی خود دنبال می‌کند عبارتند از:

- ۱- رهبری سیاسی جهان اسلام به ویژه کشورهای عربی.
- ۲- وحدت جهان عرب و جلب حمایت‌های آنان در جهت منافع خود.
- ۳- تبلیغ مذهب وهابی و دعوت به آن.
- ۵- متعادل کردن پدیده‌های تندرو منطقه و جهان اسلام.

اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

- ۱- تلاش در جهت برقراری حکومت جهانی اسلام.
- ۲- تبلیغ اسلام و دعوت به آن، به ویژه مذهب شیعه.
- ۳- حمایت از مستضعفین و نهضت‌های آزادی‌بخش (کاظمی، ۱۳۷۹: ۷).

عربستان از نفوذ قابل ملاحظه‌ای در جهان اسلام برخوردار بوده و کشور تعیین کننده در جهان اسلام می‌باشد، به اعتقاد برخی از کشورهای اسلامی، عربستان توانایی رهبری جهان اسلام را دارد (عباس ملکی، ۱۳۸۷: ۲۰).

در واقع ایران چالشی در برابر ادعای ضمنی عربستان سعودی در قیومت معنوی رهبری جهان اسلام و راه و روش اسلامی زندگی است. ادعای سعودی‌ها تا حدودی مبتنی بر قیومت دو شهر مقدس اسلام، مکه و مدینه و تا اندازه‌ای بر مبنای تعالیم احیاگری اسلامی خاص خود، وهابیت، است. جهان بینی سعودی‌ها، در چارچوب وهابیت، اساساً از تقسیم دو قطبی کلاسیک اسلامی دارالاسلام و دارالحراب پیروی می‌کند. این دیدگاه دو قطبی، با مدل غربی ملل جهان اسلام در برابر ملل کمونیست مطابقت می‌کند، بدین

ترتیب بزرگترین تهدید در برابر اسلام و جهان آزاد از سوی کمونیست‌هاست، که ملحد تلقی می‌شوند؛ با این حال، ظهور احیاءگری اسلامی در ایران که بزرگترین تهدید در برابر اسلام را ناشی از غرب‌گرایی غیر مذهبی می‌بیند، در بردارنده‌ی تهدیدی جدی است نه از جناح چپ، بلکه از جناح راست. این امر برای عربستان سعودی فوق‌العاده نگران‌کننده و آزاردهنده است، چرا که این رژیم از آغاز احیاءگری وهابیت، در حدود ۲۵۰ سال پیش، خود را جناح راست ناب‌گرای اسلامی دانسته است (اسپوزیتو، ۱۳۸۸: ۱۲۰).

عربستان سعودی با تأکید بر اینکه مهد عربیت و اسلامیت سرزمین وحی است و تلاش دارد دو مفهوم اسلام و عربیت را با هم پیوند بزند و در نتیجه بروح‌دات عربی به عنوان مقدمه‌ای بر وحدت اسلامی تأکید می‌کند. در واقع عربستان از توافق‌نامه‌ی طائف «۱۹۸۹» تا توافق نامه مکه «۲۰۰۷» یک میانجی مهم در اختلافات میان اعراب بوده است.

نظر به وجود حرمین شریفین در قلمرو پادشاهی عربستان و مرکزیت معنوی آن در جهان اسلام، این کشور همواره خود را مستحق رهبری جهان اسلام می‌داند و از منابع مالی گسترده‌ی خود در راستای تحقق این هدف بهره می‌گیرد.

سیاست خارجی عربستان نشان می‌دهد که زمامداران این کشور به دنبال آنند تا با ارایی‌ی ظاهری اسلامی از خود رهبری جهان اسلام را به دست گیرند (آقایی و احمدیان، ۱۳۸۹: ۵).

محوریت جهان اسلام و عرب و مرکز جهان اسلام و نشان دادن الگوی حکومت اسلامی به خصوص مسلمانان از دیگر اهداف عربستان می‌باشد. رقابت ایران و عربستان بر رهبری جهان اسلام حتی پیش از انقلاب اسلامی وجود داشته است به همین دلیل ریاض و تهران همواره یکدیگر را به عنوان رقیب می‌نگرند (همان: ۱۰).

به طور کلی عواملی وجود دارند که سیاست خارجی عربستان از آنها متأثر شده است و همواره در طول تاریخ این عوامل و ملاحظات موجب گردیده این کشور نوع

خاص سیاست خارجی را اتخاذ نماید و در تنظیم روابط خود با کشورهای دیگر از جمله ایران این عوامل را لحاظ نماید. عوامل مؤثر در تنظیم و اجرای سیاست خارجی عربستان به دو دسته عوامل داخلی و عوامل خارجی تقسیم می‌شوند. در گروه عوامل داخلی مهم‌ترین عامل، وجود حرمین شریفین در شهرهای مکه و مدینه است؛ این دو مکان مقدس برای مسلمانان، عربستان را در کانون توجهات مسلمانان قرار داده است و به لحاظ سیاسی و فرهنگی موقعیتی ویژه را برای عربستان ایجاد کرده است. این کشور بین مسلمانان ادعای رهبری جهان عرب و اسلام را دارد و با پشتوانه‌ی ثروت عظیم خود که به برکت ذخایر نفت حاصل گردیده است امتیازات فراوانی را به دست آورده است. دومین عامل داخلی تأثیرگذار بر سیاست خارجی عربستان، نفت و درآمدهای سرشار حاصل از آن است که علاوه بر کسب درآمدهای بالا توانسته است به یک کشور وام‌دهنده به سایر کشورها تبدیل شود و زمینه‌های نفوذ این کشور را در سایر کشورها فراهم آورده است. در بعد خارجی مهم‌ترین عامل تأثیرگذار بر سیاست خارجی عربستان اتکای این کشور بر حمایت دولت‌های غربی و در رأس آنها آمریکا است دومین عامل خارجی مؤثر بر سیاست خارجی عربستان حضور و عضویت این کشور در برخی از سازمان‌های منطقه‌ای است که عربستان در آنها برای خود جایگاهی خاص قایل است (نادری نصب، 1398: 321).

موانع موجود در راه گسترش همکاری‌های دو کشور

1- ایران و عربستان به دلیل خمیرمایه‌ی خویش و اصول و مبانی متفاوت مذهبی، دارای تضاد ایدئولوژیک هستند. آموزه‌های تشیع جمهوری اسلامی ایران با ایدئولوژی وهابیت سعودی دارای تضاد و عدم تجانس بنیادی است، که اثرات منفی آن روابط دو کشور را متأثر می‌سازد.

2- جمهوری اسلامی حمایت از مستضعفین و نهضت‌های آزادی بخش به ویژه دنیای اسلام را سر لوحه‌ی کار خود قرار داده، در حالی که عربستان طالب وضع موجود بوده و متعادل کردن پدیده‌های تندرو منطقه و جهان اسلام را از اصول سیاست خارجی خود به شمار می‌آورد.

3- ایران و عربستان به عنوان دو قدرت بزرگ منطقه‌ای خواه نا خواه یک رقابت دیرینه و دایم را بر سر رهبری سیاسی کشورهای اسلامی دنبال می‌کنند.

4- با توجه به دیدگاه‌های متضاد دو کشور در مورد نحوه‌ی انجام فریضه‌ی حج، مسأله‌ی حج دایماً در موسم خود کانون بحران را در روابط دو کشور به وجود می‌آورد. عربستان مراسم براءت از مشرکین حجاج را عملی سیاسی و مخالف اهداف اسلامی حج می‌داند و سیاستش ممانعت یا تحدید آن است.

5- تضاد در برخی موضع گیری‌های سیاسی میان دو کشور، همانند مسأله‌ی فلسطین و نحوه‌ی برخورد با اسرائیل ضمن آنکه دو کشور دو جناح مخالف در افغانستان را مورد حمایت قرار می‌دهند (کاظمی، 1379: 27).

مواضع عربستان سعودی در قبال برنامه صلح آمیز هسته‌ای ایران

عربستان سعودی از جمله کشورهای عربی است که به ویژه بعد از سرنگونی صدام در عراق خود را در رقابت جدی با ایران قرار داده است و تلاش دارد در برابر ایران نوعی توازن برقرار کند و به همین خاطر است که به نسبت دیگر کشورهای عربی منطقه رفتاری کاملاً تهاجمی نسبت به سیاست ایران در منطقه دارد و به‌ویژه در مورد برنامه‌ی هسته‌ای ایران ابراز نگرانی و خواهان توقف فعالیت‌های ایران در این زمینه است. عربستان در مورد برنامه‌ی صلح آمیز هسته‌ای ایران به طور کلی دو موضع را در نظر دارد؛ 1- ایران هسته‌ای توازن قوا را در منطقه به نفع خود تغییر می‌دهد و با توجه به تقویت جایگاه ایران در عراق،

لبنان و فلسطین حایز اهمیت فراوان است. 2- نگرانی زیست محیطی از برنامه‌ی هسته‌ای ایران (نادری نصب، 1386: 332).

به نظر کشورهای عربی ایران می‌تواند با در اختیار داشتن توانایی بومی غنی سازی اورانیوم و افزایش توان موشکی، موازنه‌ی منطقه‌ای را به نفع خود تغییر دهد و این باعث نگرانی این کشورها شده و واکنش تند آنها را در پی داشته‌ است. در صورتی که آمریکا راضی شود، در ایران یک سطح معینی از غنی‌سازی صورت گیرد، باز هم عربستان از هر گونه چرخه‌ی سوخت هسته‌ای در ایران به خاطر تصورات نادرستش نگران خواهد بود و سعی در برقراری تعال هسته‌ای با ایران از طریق تشویق رقبای منطقه‌ای ایران برای وارد شدن به یک رقابت هسته‌ای دارد (جمیری، 1389: 147).

ایران بارها تلاش کرده است با کمک کشورهای عرب حوزة خلیج فارس از جمله عربستان ترتیبات امنیتی حوزة خلیج فارس را بدون دخالت قدرت‌های بیگانه و با همکاری هم صورت بدهند و با برقراری سمینارها و کنفرانس‌های متعدد این حسن نیت خود را نشان داده است. به طور نمونه در سال 2007 ایران تمایل خود را برای قراردادهای دفاعی با همسایگانش برای جایگزینی نیروهای خارجی مستقر در منطقه نشان داد؛ اما وزیر دفاع عربستان اعلام کرد، همکاری مستقیم نظامی با ایران برای حفظ امنیت خلیج فارس امکان‌پذیر نیست (لطفیان، 1387: 204).

یکی از علت‌های اصلی مخالفت عربستان و دیگر کشورهای منطقه با پیشنهاد ایران برای تشکیل اتحادیه امنیتی-نظامی را می‌توان بدبینی آنها به برنامه نظامی ایران دانست (آقایی و احمدیان، 1388: 14).

البته باید توجه داشت که مواضع عربستان نسبت به برنامه‌ی هسته‌ای ایران تحت تأثیر سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا و غرب نیز قرار داشته و این کشور بارها تلاش کرده

است در چار چوب شورای همکاری خلیج فارس علیه برنامه‌ی هسته‌ای ایران اتخاذ موضع کند (نادری نصب، 1386: 331).

در این رابطه نباید دخالت قدرت‌های بزرگ از جمله آمریکا را نادیده گرفت، در واقع آمریکا محور امنیتی خود را در منطقه بر پایه‌ی اتحاد با عربستان تعریف کرد است و پس از یازده سپتامبر از طریق بزرگ جلوه دادن خطر ایران هسته‌ای برای کشورهای عرب مانع تقارب و تعامل مثبت ایران با کشورهای عربی شده است (آقایی و احمدیان، 1388: 14).

سیاست‌های ایران در جهت حمایت از حزب‌الله، حماس و شیعیان عراق را نباید در تحقق این روابط غیر دوستانه و تهاجمی نادیده گرفت؛ چرا که تردید مواضع کشورهای عربی من جمله عربستان در خصوص سایر مسایل مرتبط با ایران از جمله مسایل هسته‌ای متأثر از رقابت‌های امنیتی و ایدئولوژیک در عراق، فلسطین و لبنان نشأت می‌گیرد (نادری نصب، 1386: 328).

اخیراً با مطرح شدن تصمیم آمریکا مبنی بر خروج نیروهای خود از عراق، باعث نگرانی عربستان نسبت به این موضوع شده است. نیویورک تایمز به بیان نامه‌ای که ملک عبدالله پادشاه عربستان، به معاون سابق رییس جمهوری آمریکا نوشته، می‌نویسد که ملک عبدالله در این نامه از مخالفت کاملش به از سرگیری گفتگوهای دیپلماتیک میان ایران و آمریکا سخن گفته و همچنین با خرج نیروهای آمریکایی از عراق به شدت مخالف است و خروج نیروهای آمریکایی را به منزله تقویت موقعیت ایران در عراق و منطقه می‌داند (www.tabnak.ir).

پروژه ایران هراسی و شیعه هراسی

مطرح کردن هلال شیعی

با وقوع جنگ آمریکا علیه حکومت عراق در 19 مارس 2003 م و فرو پاشی رژیم حزب بعث به رهبری صدام حسین، شیعیان عراق توانستند قدرت اصلی را در معادلات امنیتی-سیاسی این کشور به دست گیرند. این رویداد، در کنار جنگ 33 روزه‌ی حزب‌اله لبنان و اسرائیل (2006م) که باعث تبدیل حزب‌اله به بازیگری مهم و تأثیرگذار در سطح منطقه گردید به گسترش دامنه‌ی نفوذ و تأثیر گذاری ایران در تحولات منطقه خاور میانه منجر گردید. این مسأله باعث شد نهادهای سیاسی-امنیتی محافظه‌کار اهل سنت منطقه نسبت به افزایش قدرت و نفوذ شیعیان، به‌ویژه ایران و پیدایش نوعی «هلال شیعی» مؤثر در منطقه اظهار نگرانی کنند. در واقع اصطلاح هلال شیعی اصطلاحی است با سابقه‌ی آکادمیک در ادبیات آلمانی، که نخستین بار در حوزه‌ی مباحث استراتژیک منطقه، ملک عبدالله دوم، پادشاه اردن، در دسامبر 2004 در گفتگو با روزنامه واشنگتن پست، هنگام دیدارش از آمریکا مطرح کرد. کاربرد این واژه هم زمان با به حکومت رسیدن شیعیان در عراق، تکمیل کننده‌ی هلالی از حوزه‌های نفوذ شیعی بود که کشورهای لبنان، سوریه، عراق، ایران، پاکستان و افغانستان را در بر می‌گرفت. این موضوع مؤید گسترش حوزه‌ی نفوذ شیعیان نه تنها در ایران و لبنان بلکه در کلیه‌ی کشورهای است که در آنها جمعیت شیعه مذهب وجود دارد. علی‌رغم ایران هراسی گسترده که با مطرح شدن هلال شیعی، در منطقه صورت می‌گیرد با این حال اتحاد و همگرایی ایران با شیعیان منطقه بیش‌تر از این که ایدئولوژیکی و به خاطر شیعی‌گری باشد به خاطر واقعیات سیاسی و حضور گسترده‌ی آمریکا در منطقه می‌باشد. هدف از طرح هلال شیعی تحریک کشورهای عرب است. روزنامه النهار نوشت، هدف از تشکیل هلال شیعی، شامل کشورهای ایران، عراق، سوریه و لبنان، تحریک آمریکا و اعراب است و اعراب ادعا می‌کنند که ایران شیعی و دشمن آمریکا بر این هلال سیطره پیدا کرده و منافع آمریکا در منطقه را مورد تهدید قرار می‌دهد. هدف از تشکیل هلال شیعی تضعیف ایران و ایجاد اختلاف میان شیعه و سنی است. پادشاه عربستان در مصاحبه با

روزنامه کویتی السباسه از شیعه سازی اهل سنت توسط ایران ابراز نگرانی کرد (com.fetrat). (www.fetrat)

فیصل الغایز رییس مرکز مجلس نمایندگان اردن، در کویت مدعی شد، هلال شیعی ایران در حال تبدیل شدن به ماه کامل است و خواستار اتخاذ مواضع واحد کشورهای عربی در قبال ایران شد (کریم آبادی، 1390: 24).

سران آمریکا و اسرائیل، با بزرگ نمایی مفهوم «هلال شیعه»، در صدد انحراف اذهان تصمیم گیرندگان عرب از مسأله‌ی اصلی یعنی اسرائیل هستند. آنها با این سیاست، نگرانی سران غرب را نسبت به حاکمیت ایدئولوژی شیعه تحت رهبری نظام جمهوری اسلامی ایران در منطقه بر می‌انگیزند. هدف اصلی از طرح هلال شیعی و ژئوپولیتیک آن را می‌توان ایجاد تنش و درگیری و راه انداختن جنگ میان شیعیان و اهل تسنن دانست. ادعای شکل گیری هلال شیعی از سوی سران عرب، بانیاتی آغشته به تضعیف ایران و گسترش ایران هراسی همراه است و شکل گیری دومین قدرت شیعی در منطقه از سوی شیعیان عراق موجب تقویت ایران می‌شود و با توجه به استقرار شیعیان در منطقه خاورمیانه که کمربند استراتژیک اقتصادی و سیاسی در منطقه محسوب می‌شود، شیعیان در قلب بزرگترین منطقه نفت خیز خاورمیانه قرار گرفته‌اند، بنابراین شیعیان به همراه ایران می‌توانند منابع خلیج فارس را به کنترل خود در آورند (www.farsnews.com).

این موضوع سبب شده است که برخی رهبران عرب و نویسندگان مغرض با طرح هلال شیعی، حضور فعال شیعیان در عرصه‌ی سیاسی و اجتماعی خود را هراس‌آمیز نشان دهند. دولتهای پادشاهی و سنی عربی خاور میانه از ایجاد این کمربند یا هلال شیعی بسیار نگران اند. بسیاری اکنون در منطقه از آن بیم دارند که با تشکیل هلال شیعی توسط شیعیان ایرانی، لبنانی، عراقی و به طور کلی شیعیان ساکن در منطقه خلیج فارس، عملاً عرصه برای حکومت‌های عمدتاً سنی مذهب تنگ‌تر شود و باعث بیداری و شورش شیعیان این

کشورها که از اوضاع اقتصادی، رفتار تبعیض‌آمیز دولت‌های حاکمشان ناراضی‌اند شود (بیات، 1389: 76-68).

در واقع کشورهای عربی به دنبال این هستند که با مطرح کردن هلال شیعی با محوریت ایران، نوعی ایران‌هراسی و شیعه‌هراسی را ایجاد کنند و از این طریق ایران را تحت فشار قرار دهند. این کشورها بر این باورند که مدیریت ایران و تأثیر آن را بر شیعیان کاملاً برنامه‌ریزی شده و برای کسب قدرت در منطقه خاور میانه و سطح بین‌المللی می‌دانند. به اعتقاد رهبران و نخبگان سیاسی کشورهای عرب پیروزی نسبی حزب‌الله علیه اسرائیل و شکستن تابوی تل‌آویو، در واقع کمر بند طلایی خصیب را با ژئوپولیتیک شیعی ایران و عراق پیوند داده و موازنه‌ی موجود را پس از ترتیبات امنیتی 1991 به هم ریخته و نوعی موازنه‌ی برتر را به نفع ایران ایجاد نموده است، که باعث عدم اتخاذ راهبرد جدی اعراب علیه ایران و دست باز این کشور در عراق و لبنان و به چالش کشیدن جهان اهل سنت و آمریکا شده است. در همین راستا روزنامه واشنگتن پست از دیدار محرمانه مقامات سعودی و نخست‌وزیر اسرائیل برای جلوگیری از نفوذ ایران، در عمان پایتخت اردن به میزبانی عبدالله دوم، پرده برداشت (ابراهیمی، 1380: 280).

در بحبوحه جنگ حزب‌الله با اسرائیل، عبدالله مفتی اعظم سعودی نیز، حزب‌الله را حزبی رافضی، و سید حسن نصرالله را رییس رافضیان شرق مدیترانه و نماینده‌ی صفویان ایران خواند. بعد از پیروزی نسبی حزب‌الله در برابر اسرائیل، در شرق عربستان سعودی که عمدتاً شیعه‌نشین هستند و یا در کویت و بحرین تظاهرات و جشن‌هایی به مناسبت این پیروزی گرفته شد که می‌تواند برانگیزاننده‌ی نوعی واکنش‌های عربی منطقه خلیج فارس از پیروزی حزب‌الله و تغییر موازنه‌ی قدرت در خاورمیانه به نفع ایران باشد.

نگرش منفی عربستان نسبت به گفتارها و رفتارهای ایدئولوژیک ایران در عراق

با حمله‌ی نظامی ایالات متحده آمریکا در مارس 2003 عراق بعثی سرنگون شد و به اشغال نیروهای نظامی آمریکا در آمد. با اشغال عراق و رشد محور شیعی در عراق ایران نیز نفوذ قابل توجهی در عراق پیدا کرده است؛ برای نمونه ایران در همه‌ی کنفرانس‌های منطقه‌ای مربوط به امنیت عراق از جمله در مصر، عربستان سعودی، اردن و استانبول مشارکت فعال داشت. این حضور ایران باعث نگرانی‌هایی در جهان عرب شده است، زیرا که نشان‌گر نفوذ قابل توجه ایران در مسایل جهان عرب است و همین امر موجب شده است تا کشورهای عربی رفتار ایران را مداخله جویانه تلقی کنند (برزگر، 1380: 150).

نگرانی طراحان و حامیان ایران هراسی و شیعه هراسی بیش از آنکه از عنصر مذهبی ناشی گردد، از عنصر دموکراسی و نهادینه شدن آن در عراق و سرایت آن به دیگر کشورهای خاورمیانه ناشی می‌شود. اشغال عراق موجب شروع گفتمانی نو در سامانه‌ی خلیج فارس شد. اشغال این کشور سرآغازی برای ایجاد تغییرات سیاسی و اجتماعی بنیادین در برخی از کشورها، به‌ویژه عربستان و بحرین است «انتخابات شهرداری‌ها در عربستان و پیروزی شیعیان به رهبری شیخ علی سلمان در انتخابات مجلس بحرین».

عربستان سعودی از روی کار آمدن شیعیان، آن هم از طریق مردم سالاری در عراق از دو جهت ناراضی است؛ یکی، الگوی مردم سالاری عربی در عراق به عنوان تنها کشور عربی که الگوی انتخاب غربی در آن نهادینه شده است و دیگری روی کار آمدن اکثریت شیعی عراق که خود می‌تواند مسأله‌ی حاد امنیتی‌ای را برای منطقه شرقی عربستان به‌وجود آورد که خواستار افزایش حقوق سیاسی شیعیان است. امارات نیز از نخستین کشورهایی بود که خطر نفوذ ایران را در عراق مطرح و در جهت مقابله با آن به باز سازی روابط با عراق روی آورده است (صالحی، 1390: 161).

در دسامبر ۲۰۰۴ عبدالله دوم، پادشاه اردن نیز از تهدید یک هلال شیعی سخن گفت. همچنین حسنی مبارک در آوریل ۲۰۰۶، اعلام کرد که وفاداری شیعیان خاورمیانه به ایران بیش تر از وفاداری آنها به دولتهایشان است. این موضع مورد تأیید کشورهای عربی خلیج فارس نیز قرار گرفت و از سوی آنها نیز تکرار شد. ورود نظامیان شیعی به ارتش عراق «نیروی صدر و سپاه بدر» و همچنین با روی کار آمدن حزب‌الدعوه و مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق در انتخابات ژانویه 2005 که از مدافعان ایران بودند، خشم کشورهای عربی را برانگیخت؛ چرا که آنها این امر را به معنای سر آغاز نفوذ ایران در منطقه عربی قلمداد می‌کنند (ابراهیمی، 1386: 269-270).

به زعم برخی از نخبگان رسمی و علمی عضو شورای همکاری خلیج فارس، ایران در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی در صدد صدور افکار انقلابی در منطقه برآمد، از جنبش‌های سیاسی اسلام‌گرا حمایت و آنان را علیه کشورهای محافظه کار عرب تحریک می‌کند و هم اکنون نیز در جهت اعمال و گسترش نفوذ و قدرت خود در عراق، یمن و بحرین با اکثریت شیعه عمل می‌کند؛ رفتارهایی که باعث بروز سوء ظن، بی اعتمادی و اختلافات بسیاری بین اعراب و جمهوری اسلامی شده است (دهقانی، 1387: 69).

ریچارد هاس در مجله فارن افرز در مقاله‌ای با نام خاورمیانه جدید معتقد است با تغییر موازنه قدرت در خاورمیانه و خلیج فارس و به وجود آمدن عنصر شیعی در عراق و پیروزی حزب‌اله در لبنان، افول قدرت آمریکا آغاز شده و این ترس کشورهای عرب حوزہ خلیج فارس و اقتدارگرایان سنی عرب را برانگیخته است (ابراهیمی، 1386: 272).

تاکنون کشورهای عربی به دلیل اینکه شیعه در عراق حاکمیت را به دست گرفته است، نه به عراق سفر رسمی داشته‌اند و نه سفارتخانه افتتاح کرده‌اند. عربستان اعلام کرد که قدرت گرفتن شیعیان در عراق مرزهای شرقی این کشور را تهدید خواهد نمود.

همچنین سعودی‌ها مخالفت خود را با طرح پیشنهادی عراق برای ورود به ترتیبات امنیتی خلیج فارس اعلام کردند (www.farsnews.com).

این موارد نشان‌گر این مطلب است که کشورهای غیر دموکراتیک و اقتدارگرای عرب از فعال شدن جمعیت شیعه نشین خود در هراسند. شیعیانی که در شرایط بد اقتصادی قرار دارند و طی سالها با آنها رفتاری تبعیض آمیز شده و حرکت‌هایی که بر علیه رهبران اقتدارگرای تونس و مصر، لیبی و آل خلیفه در بحرین صورت گرفته است همگی نشان‌گر این واقعیت است که کشورهای عربی منشأ آن‌را، رفتارهای جمهوری اسلامی ایران در منطقه می‌دانند. از میان کشورهای عرب منطقه به نظر می‌رسد عربستان سعودی بیش از دیگران نگران اوضاع عراق است و خود را در رقابت جدی با ایران در این کشور می‌بیند؛ در مجموع احساس خطر عربستان از توسعه نفوذ ایران در منطقه موجب شده است از یک سو هنوز به طور رسمی دولت شیعی در عراق را به رسمیت نشناسد و از سوی دیگر روابط عربستان با ایران تحت تأثیر این موضوع قرار گیرد (نادری نصب، 1386: 326-328).

عربستان از گزارش کمیته‌ی بیکر همیلتون که خواسته بود آمریکا برای حل مسأله‌ی عراق با ایران مذاکره شود، نگرانی خود را اعلام کرد. در سفر دیک چنی به عربستان، امیرعبداله صراحتاً به او فهماند که اگر آمریکا بخواهد درباره‌ی عراق با ایران گفتگو کند، سعودی‌ها از مقاومت سنی‌ها علیه نیروهای اشغالگر حمایت خواهند کرد.

نگرش منفی عربستان نسبت به گفتارها و رفتارهای ایدئولوژیک ایران در لبنان و فلسطین

از زمان پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی (ره) ایران همواره بر دفاع از فلسطین تأکید داشته و آن را یک تکلیف دینی دانسته و حمایت‌های ایران از لبنان، فلسطین و جنبش حماس را بایستی در راستای این فریضه‌ی دینی تلقی کرد؛ امری که برخی از کشورهای عربی آن را دخالت‌های توسعه‌طلبانه‌ی ایران تعبیر می‌کنند. در این راستا

عربستان تلاش دارد با دخالت در مسأله‌ی حل و فصل بحران فلسطین ایران را به چالش بکشد و از قدرت و نفوذ آن بکاهد (نادری نصب، 1386: 329).

هدف ایران استقرار یک جامعه‌ی اسلامی با محوریت مبانی شیعی است و این با هدف عربستان که همان حفظ وضع موجود است، در تعارض است و دگرگونی‌های چون قدرت‌گیری شیعیان در عراق و اقدامات حزب‌اله از نظر آنان با اهمیت است (آقایی و احمدیان، 1388: 14).

به گفته‌ی گراهام فولر، جنبش حزب‌اله در واقع تبدیل به نوعی مدل مقاومت در کشورهای دارای حاکمان سنی در منطقه شده و این جنبش به گروه‌هایی که در کشورهای عربی تحت فرایند یکسان سازی الگو قرار گرفته‌اند، الگوی مقاومت صادر می‌کنند (مظاهری و احمدزاده، 1384: 7).

از آنجا که اقتدار حکومت شیعی و رعایت دموکراسی نسبی در عراق برای حکومت بسته و پادشاهی عربستان نامناسب است. عربستان تلاش دارد، قدرت و نفوذ ایران در عراق و لبنان و به طور کلی شیعیان خاورمیانه را از طریق تحرکات و حمایت از سنی‌های لبنان، عراق و فلسطین مهار و موازنه‌سازی کند (لطفیان، 1387: 205).

به دنبال حمله‌ی اسرائیل به حزب‌اله در تابستان 2006 و غزه در زمستان 2008 ایران با تمام توان به حمایت از حزب‌اله پرداخت و عربستان سکوت کرد و با سکوت خود، اسرائیل را در این نبرد یاری کرد. عربستان معتقد است که ایران با ورود به کشورهای عربی منطقه به دنبال کسب قدرت بیشتر است؛ البته تحلیل آنها از موقعیت ایران نادرست است چرا که ایران با حمایت از دولت شیعی در عراق و حزب‌اله لبنان به خوبی توانسته است، جبهه‌ی مقاومت را استحکام بخشد و عنصر اصلی راهبرد ایران، مهار قدرت آمریکا و اسرائیل است و نه به چالش کشیدن عربستان، در واقع ایران نگرانی امنیتی شدیدی را از حضور آمریکا در خلیج فارس، عراق و افغانستان و سایر پایگاه‌های نظامی که در

کشورهای مثل ترکیه و آذربایجان دارد احساس می‌کند و اقدامات ایران را باید در این راستا مورد توجه قرار داد. حمایت ایران از حماس سنی مذهب، باعث نگرانی آشکار کشورهای عربی و به‌ویژه عربستان شده و باعث کم رنگ شدن نقش مذهب در رابطه با گروه‌های فلسطینی و کشورهای عربی شده است در مقابل این کشورها با حمایت گروه‌های سنی در عراق، گروه 14 مارس لبنان، در مقابل ایران قرار گرفته‌اند (جمیری، 1389: 144-146).

بیداری اسلامی و نگرش منفی عربستان نسبت به نقش و نفوذ ایران

بیداری اسلامی به عنوان یک پدیده‌ی متأثر از نهضت فکری جمهوری اسلامی در عصر امروز در قالب یک جنبش اجتماعی و سازمانی ظاهر شده است. بی‌تردید انقلاب اسلامی عامل عمده‌ی بیداری اسلامی است و نقش ویژه‌ای در روند بیداری ملل مسلمان منطقه ایفا کرده است. از این رو بازتاب‌های انقلاب اسلامی امروزه بیش از گذشته نظام منطقه‌ای خاورمیانه را تحت تأثیر قرار داده است. نظام سلطه با محوریت آمریکا و سران غیر مردمی کشورهای منطقه در تلاش هستند با مطرح کردن مسایل غیر واقعی ایران را متهم به دخالت در امور داخلی کشورهای منطقه کنند و با بر خورد دوگانه با این خیزش‌ها ضمن کنترل و ناکارآمد نمودن حرکت عمیق دینی- مردمی ملت‌های منطقه زمینه‌ی مصادره به مطلوب این خیزش‌ها را به نفع خود فراهم کنند (کریم آبادی، 1390: 25).

دستاورد‌های ایران در زمینه‌ی هسته‌ای و همچنین نفوذی که در پی تحولات منطقه‌ای و انقلاب‌های عربی به دست آورده، بر نگرانی اعراب بیش از پیش افزوده است. تحولات جهان عرب ضمن اینکه نقش و نفوذ منطقه‌ای ایران را افزایش داده است، به همان‌اندازه بر حساسیت کشورهای منطقه از اهداف حضور ایران در این تحولات افزوده است در این میان نباید تلاش بسیاری از دولت‌های سکولار در کشورهای مختلف خاور میانه برای زدودن دین را از نظر دور داشت که البته نتیجه‌ی مطلوب را به دست نداده است

و حتی در مقام عکس‌العمل به شکل‌گیری هسته‌های مقاومت و گروه‌های بنیادگرا در منطقه نیز انجامیده است. (Marty، ۱۹۹۲).

– عربستان سعودی

با توجه به این تفاوت و بحث خیزش‌های مردمی سال گذشته در جهان عرب، دو کشور تلاش کردند که از فرصت‌های موجود در منطقه حداکثر استفاده را بنمایند و تهدیدهایی که متوجه منافع آنهاست را به حداقل برسانند. تفاوت دیدگاه‌های ایران و عربستان در مورد نظم منطقه‌ای منجر به این شده است که ایران و عربستان منافع متفاوت و متضادی را در سطح منطقه‌ای دنبال می‌کنند. این به نوبه‌ی خود باعث تنش‌های عمیق و رقابت‌های پایدار در سطح منطقه‌ای بین دو کشور شده است.

ایران گفتمان بیداری اسلامی را در خصوص جنبش‌های جدید کشورهای عربی مطرح کرده است و تلاش کرده از این جنبش‌ها حمایت کند. ایران از جنبش‌های اعتراضی مردم در مصر، تونس، لیبی، بحرین حمایت کرده و تمایل داشته که این جنبش‌های مردمی را با گرایش‌های اسلامی و استقلال طلبانه معرفی کند.

در مقابل این دیدگاه ایران، دیدگاه عربستان مبتنی بر مخالفت با جنبش‌های مردمی و حمایت از رژیم‌های مستقر و در یک کلام «حفظ وضع موجود» بوده است. در مواردی نیز که تحول رخ داده است، مثلاً در مصر که رژیم حسنی مبارک ساقط شد، عربستان تلاش کرده است که از سلفی‌ها، از یک سو برای مقابله با خیزش‌های مردمی و ممانعت از دگرگونی‌های جدی استفاده کنند و از سوی دیگر خواسته است که با حمایت از سلفی‌ها نفوذ خود را در این کشورها گسترش دهد. یعنی عربستان سعودی با برجسته کردن گفتمان سلفی در کشورهای عربی، هم به مقابله با گسترش تغییرات پرداخته و هم نفوذ خود را در تحولات آینده افزایش داده است.

عربستان باترس از رسیدن دومینوی سقوط کشورهای عربی خاورمیانه و شمال آفریقا در عربستان و بحران داخلی این کشور که به دنبال آزادی اقلیت عرب از جمله شیعیان به وجود آمده مقامات سعودی را آماده‌ی خشن‌ترین واکنش‌ها در برابر آنچه تهدید ایران می‌خوانند کرده است. ارزیابی اطلاعات غیرمستند درباره‌ی توانایی ایران در تولید سلاح هسته‌ای و تمایل ایران به استفاده از سلاح‌های غیرمتعارف بر علیه همسایگان خود و اطلاعات غیر واقعی درباره نفوذ ایران در نا آرامی‌های بحرین، اردن، یمن و عربستان و همچنین مسایل مرتبط به امور داخلی کویت، حاکمان عربستان را در ترس از سقوط فرو برده که بلا فاصله به یک قرار داد تسلیحاتی 60 میلیون دلاری با آمریکا ترغیب شده است. ایران به دنبال بسط نفوذ خود در کشورهای حاشیه نشین خلیج فارس است تا دست آمریکا را در منطقه بیش از پیش ببندد.

امیر نایف، ولیعهد جدید عربستان نیز بر عدم مذاکرات دیپلماتیک میان تهران و ریاض تأکید دارد. نایف نه تنها سر سازش با ایران ندارد، بلکه هر گونه رویکرد آشتی جویانه حتی با وجود تلاش‌های ایران در این راستا را رد می‌کند. سفر وزیر امور خارجه ایران، علی اکبر صالحی، جهت شرکت در مراسم خاک سپاری ولیعهد سابق عربستان که برای تلطیف فضای ملتهب سیاسی حاکم بر دو کشور صورت گرفت، مورد توجه سعودی‌ها قرار نگرفته است. در واقع طرح اتهام علیه ایران در مورد توطئه ترور سفیر عربستان در آمریکا را می‌بایست با زنجیره‌ی گسترده‌ای از تحولات منطقه مرتبط دانست.

کمک عربستان به بحرین برای سرکوب اعتراضات و ارسال نیروی نظامی به این کشور و همچنین طرح اتحاد نزدیک‌تر بین کشورهای خلیج فارس بخشی از استراتژی گسترده تری برای نفوذ ایران در منطقه است و اخیراً تلاش کشورهای حوزه‌ی خلیج فارس به رهبری عربستان برای ایجاد یکپارچگی اقتصادی، سیاسی و نظامی و الحاق بحرین به عربستان همگی در راستای مقابله با نفوذ ایران در منطقه می‌باشد (www.aljazeera.com).

کاهش روابط ایران و عربستان

پادشاهی سعودی در بُعد منطقه‌ای و فراتر از آن در حوزه‌ی جهان اسلام، نقشی مهم برای خود قایل است و با حمایت‌های مالی گسترده از کشورهای اسلامی و جنبش‌های اسلامی (البته به طور گزینشی)، در پی بسط حوزه‌ی نفوذ خود بوده است. ایران و عربستان همواره به عنوان دو کشور و دو قدرت تأثیرگذار جهان اسلام، در منطقه خاورمیانه و خلیج فارس مطرح بوده‌اند و هر کدام بنا به دلایل مشابه و متفاوت، نقشی برتر برای خود در روند تحولات منطقه‌ای قایل می‌باشند. روابط بین دو کشور از پیروزی انقلاب تاکنون همواره با نوساناتی توأم بوده است. در سطح منطقه‌ای، عربستان نسبت به افزایش نقش ایران در افغانستان، لبنان، فلسطین و به ویژه عراق نگران است، تحولات چند سال گذشته در منطقه خاورمیانه که موجب افزایش نفوذ جمهوری اسلامی ایران و شیعیان شد، اسباب نگرانی پادشاهی سعودی در مورد کاهش نقش و نفوذ خود در منطقه را فراهم آورده است. نگرانی‌های اخیر به همراه حساسیت و سوء ظن‌های همیشگی عربستان به ایران، واکنش‌هایی را از سوی ریاض به منظور تغییر در معادلات منطقه برانگیخته است. در گذشته همواره ایران، عربستان سعودی و عراق به عنوان سه کشور مهم و تعیین کننده در منطقه خلیج فارس مطرح بودند و توافق دو کشور از این سه کشور کافی بود تا تأثیرگذاری لازم بر مسایل و تحولات عمده و مهم منطقه صورت گیرد، لذا عربستان تلاش می‌کند که از عراق به عنوان ابزاری برای ارتقای نقش خود در منطقه استفاده نماید. حساسیت عربستان نسبت به افزایش نقش ایران و شیعیان در عراق، از این زاویه اهمیت می‌یابد. عربستان همواره خود را در نقش یک مدافع تمام عیار اهل سنت تعریف کرده است و نسبت به کاهش نقش سنی‌ها در عراق، لبنان و یا کشورهای همجوار خود، مانند بحرین حساس و نگران است. عربستان توانایی بر هم زدن بیشتر اوضاع در منطقه را از طریق حمایت از نیروهای ضد شیعی دارا می‌باشد؛ امری که جمهوری اسلامی ایران لازم است

نسبت به آن حساس باشد. رویکرد عربستان به دولت جدید عراق که در آن شیعیان و کردها حضور وسیعی دارند، در مراحل اولیه براساس نفی واقعیت‌های نوین، مخالفت و حتی حمایت غیرمستقیم از نیروهای مخالف بود. عربستان همواره تلاش می‌کند که جایگاه و شأن سنی‌ها در ساختار سیاسی عراق ارتقاء یابد. پذیرش یک رییس جمهور کرد و نخست‌وزیر شیعه در رأس حکومت، در کشوری که 1400 سال به طور مستمر در حاکمیت اعراب قرار داشته، برای عربستان بسیار دشوار است. نگاهی به ویژگی‌های ایران و عربستان سعودی که در قالب مسایلی مانند نقش ایران و عربستان سعودی در جهان اسلام، موضوع حج، بازار نفت، حضور فعال هر دو کشور در مجامع بین‌المللی، منطقه‌ای و اسلامی، موقعیت ویژه جغرافیایی در منطقه خلیج فارس و برخورداری از اقلیت شیعه و سنی تبلور می‌یابد، حکایت از اهمیت ایران و عربستان سعودی برای یکدیگر دارد. گرچه این ویژگی‌ها در وهله‌ی اول به مثابه‌ی نقاط اشتراک دو کشور تجلی می‌یابد و بعضاً به عنوان عوامل پیوند دهنده‌ی روابط فرض می‌شود، اما واقعیت آن است که تلقی و اهداف متفاوت تهران و ریاض از عناصر فوق و چگونگی استفاده از هر یک از ویژگی‌های مذکور جهت تأمین منافع کشوری، منطقه‌ای، بین‌المللی و جهان‌اسلامی، خود بخش عمده‌ای از این نقاط اشتراک را می‌تواند به نقاط افتراق تبدیل کند (واعظی، ۴-۱۳۸۷: ۷).

کاهش روابط میان ایران و عربستان و وجود بحران مستمر در این روابط به دو عامل اساسی باز می‌گردد. نخست به افزایش دخالت ایران در منطقه عربی از طریق حزب‌الله لبنان، حماس در فلسطین، تأثیرگذاری بر انتخابات عراق، افزایش تنش‌ها در بحرین و حمایت ایران از شبه نظامیان الحوثی در یمن که علیه عربستان وارد جنگ شدند؛ در تمامی این زمینه‌ها ایران در برابر عربستان ایستاد. دلیل دوم، پرونده‌ی هسته‌ای ایران است که البته تخصص ویژه آقای صالحی است و باید اذعان کرد که عربستان و دیگر کشورهای منطقه نسبت به آن نگرانند (www.irdiplomacy.ir).

مهم‌ترین حوزه‌های رقابت عربستان و ایران تا پیش از تحولات اخیر

تا پیش از تحولات اخیر در منطقه، مهم‌ترین حوزه‌های رقابت و یا خصومت دو کشور عمدتاً پیرامون چند محور اساسی بوده که می‌توان از آنها به نقاط عطف یاد کرد. موضوع عراق که برای ایران به عنوان شریک استراتژیک مطرح شده، نقطه‌ی عطف اختلاف دو کشور در این دوره محسوب می‌شود. موضوع دیگر که تنش میان دو کشور را دو چندان کرده است، موضوع هسته‌ای ایران است، عربستان سعودی که همواره داعیه‌ی بازیگر قدرتمند خاورمیانه را داشته، در مقابل شکل‌گیری یک موازنه‌ی برتر به سود ایران ابراز نگرانی می‌کند؛ از سوی دیگر سعودی‌ها براین باورند که روند شیعه‌گرایی در عراق و دستیابی ایران به فناوری هسته‌ای می‌تواند موقعیت کنونی سعودی‌ها را در منطقه خدشه دار سازد.

تحولات منطقه و بازتعریف روابط ایران و عربستان

تحولات اخیر در منطقه شمال آفریقا و خلیج فارس که از تونس آغاز و به مصر، لیبی و بحرین کشیده شده و دامنه‌ی آن عربستان و برخی کشورهای دیگر منطقه را تا حدودی متأثر ساخته است از یک سو، مواضع اتخاذ شده از سوی ایران و عربستان از طرف دیگر، روابط این دو کشور را درهاله‌ای از ابهام فرو برده است. روابط ایران و عربستان سالی پر تنش همراه با رقابت‌هایی پیچیده را تجربه کرد؛ این رقابت‌ها ناشی از دو محور و مؤلفه‌ی اصلی بوده است. یکی از این محورها، به دیدگاه‌ها و منافع متضاد دو کشور در مورد مسایل منطقه‌ای و به ویژه خیزش‌های مردمی در جهان عرب مربوط بوده است. مؤلفه‌ی دوم مؤثر در این تنش، مشارکت عربستان در طرح مهار ایران و همراهی کردن این کشور با

غرب در این زمینه بوده است. این دو مؤلفه باعث افزایش تنش و رقابت‌های دو کشور در سال گذشته شده است (www.hamshahronline.ir).

تبلیغات رسانه‌ای علیه یکدیگر

از آغاز پیروزی انقلاب اسلامی ایران، عربستان سعودی همواره سیاستها و مواضع مقابله جویانه‌ای را در قبال جمهوری اسلامی ایران در پیش گرفته است. این کشور که در طول جنگ تحمیلی به طرق مختلف از عراق حمایت و پشتیبانی می‌کرد، هم‌اکنون عربستان سعودی در حوزه‌ی رسانه‌ای سیاست‌های مقابله جویانه‌ای را علیه ج. ا. ایران پی‌گیری می‌نماید. یکی از موارد سیاست مقابله جویانه‌ی رسانه‌ای عربستان در قبال ج. ا. ایران، عملکرد شبکه العربیه می‌باشد که متعلق به عربستان سعودی می‌باشد این شبکه وسیله‌ای برای توجیه سیاست‌های سازشکارانه با غرب و رژیم صهیونیستی و از سوی دیگر ضد ایرانی عربستان است.

عربستان سعودی که در سطح منطقه از رقابت سیاسی با ایران خود را ناتوان می‌بیند، سعی دارد از طریق شبکه العربیه به مقابله بپردازد. حسن فحص، مدیر دفتر شبکه العربیه در تهران در این باره اذعان می‌دارد: بینش مالکان شبکه در حدودی که منافع کشور عربستان سعودی در خطر باشد، نمایان می‌شود. به عنوان نمونه، ایران در منطقه خاورمیانه نقش فعالی ایفا می‌کند و در عراق، لبنان و فلسطین نفوذ زیادی پیدا کرده است، اما عربستان سعودی در این کشورها نفوذ چندانی ندارد، بنابراین در رسانه‌های خود از جمله شبکه العربیه به ایران حمله می‌کند.

فحص در ادامه می‌گوید: زمانی که عربستان سعودی توان مقابله با ایران را در میدان عمل نداشته باشد، از هر وسیله‌ای برای تضعیف نفوذ این کشور که یکی از آنها شبکه العربیه است، استفاده می‌کند.

سیاست‌های شبکه‌العربیّه در قبال ایران

پس از انتصاب عبدالرحمن راشد به مدیریت شبکه‌العربیّه، رویکرد این شبکه در قبال ایران بسیار تند و خصمانه گردید. عبدالرحمن راشد پیش از این سردبیر روزنامه الشرق الاوسط بود، او در آمریکا تحصیل نموده و تمایل زیادی به آمریکا دارد. وی اکنون تحت عنوان شخصیت حقوقی مدیر عامل شبکه‌العربیّه، در روزنامه الشرق الاوسط مقالات متعددی علیه جمهوری اسلامی ایران به چاپ می‌رساند که اغلب مورد استفاده‌ی دیگر نشریه‌ها و جراید غربی قرار می‌گیرد.

شبکه‌العربیّه تاکنون محورهای گوناگونی در سیاست خبری خود علیه جمهوری اسلامی ایران به کار گرفته است؛

1- مخالفت با فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران؛ شبکه‌العربیّه تنها شبکه‌عرب زبان منطقه است که هنگام پخش گزارش‌های مربوط به فعالیت‌های هسته‌ای ایران از واژه‌ی لازم به معنی بحران استفاده می‌کند. همچنین این شبکه در گزارش‌های خبری خود در مورد فعالیت‌های هسته‌ای ایران از مواجهه‌ی جامعه‌ی جهانی با ایران نام می‌برد. هدف العربیّه ایجاد جو روانی و فضا سازی علیه فعالیت‌های هسته‌ای صلح‌آمیز ایران است. تحلیل‌ها و اخبار این شبکه به گونه‌ای تنظیم می‌شود که این توهم در ذهن ملت‌های منطقه شکل بگیرد که ایران، در صدد تولید سلاح هسته‌ای است، که این شیوه همواره از سوی رسانه‌های صهیونیستی تعقیب می‌شود.

2- ایران هراسی؛ به موازات تبلیغ علیه فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای، موضوع خطر گسترش تشیع و تشکیل هلال شیعی در منطقه با هدف پیشبرد پروژه‌ی ایران هراسی پیوسته مورد توجه العربیّه قرار دارد و هر روز دهها خبر و تحلیل در زمینه‌ی

خطر تشیع پخش و بر روی سایت عربی و فارسی خود ارسال می‌کند. این شبکه همچنین در این زمینه به تحریک کشورها و ملت‌های عرب علیه ج. ا. ایران می‌پردازد، العربیه ج. ا. ایران را متهم به داشتن مقاصد خصمانه و سلطه جویانه در منطقه و علیه کشورهای حاشیه‌ی خلیج فارس کرده است.

3- حمایت رسانه‌ای از مخالفان و معارضین ج. ا. ایران؛ از دیگر موارد فعالیت‌های مغرضانه‌ی العربیه مصاحبه با مخالفان و معارضین ج. ا. ایران و پخش نوارهای ویدیویی فعالیت‌های تروریستی بر علیه نیروهای نظامی ایران و گروگانگیری نظامیان ایرانی است.

4- متهم نمودن ج. ا. ایران به دخالت در امور داخلی کشورهای منطقه؛ این شبکه هم چنین ج. ا. ایران را متهم به دخالت در امور داخلی کشورهای عربی از جمله عراق، لبنان و فلسطین و مداخله در سیاست‌های این کشورها می‌نماید.

5- دروغ پراکنی در انتخابات ایران و حوادث پس از آن؛ موضوع دیگری که شبکه العربیه بر اساس آن به تبلیغات منفی علیه ایران دست زد، انتخابات دهم ریاست جمهوری بود. العربیه اعتراضات به نتیجه‌ی انتخابات را گسست بین نظام و مردم، اختلاف سران نظام و بی‌ثباتی ج. ا. ایران القا می‌نمود و سعی می‌کرد در برنامه‌ها و در وب سایت فارسی خود بر آن دامن زند.

سایت اسلام تایمز پا را از این فراتر می‌نهد و در مقاله‌ای با عنوان، شبکه العربیه همسو با ابزار تبلیغاتی جنگی صهیونیستها می‌نوازد، می‌نویسد: با نگاه کوتاهی به تحلیل‌ها، بررسیها و آماروشواهد درمی‌یابیم که شبکه العربیه همسو و هماهنگ با صهیونیستها حرکت می‌کند و این همان موضوع مهمی است که توجه ما را بیشتر به خود جلب می‌کند. در واقع العربیه دنباله رو سیاستهای دولت عبری و صهیونیستها است.

العالم و مقابله با جنگ روانی سعودی

شبکه العالم نیز برای مقابله با جنگ رسانه‌ای کشورهای عربی به ویژه عربستان سعودی که همسو با جریان رسانه‌ای غرب در حال انجام است، به مقابله و روشننگری پرداخته است. شبکه العالم واکنش‌های مناسبی در پاسخ به جنگ روانی العریبه از خود به نمایش می‌گذارد. البته بخشی از حملات رسانه‌های عربی به ویژه العریبه به دلیل افزایش نفوذ العالم در منطقه و نگرانی از رقابت متعارف با این شبکه است. با این حال آنچه اقدامات العالم را مؤثر و کارآمدتر ساخته است، نظام سیاسی بسته و غیر دموکراتیک عربستان سعودی است.

نظام عربستان یک نظام پادشاهی موروثی و واپسگرا می‌باشد که اجازه‌ی هیچ نوع فعالیت سیاسی به دگراندیشان نمی‌دهد. فعالیت احزاب در این حکومت پادشاهی ممنوع است.

در ساختار سیاسی - اجتماعی عربستان، اجازه‌ی هیچ نوع فعالیت سیاسی به زنان داده نمی‌شود و فعالیت اجتماعی آنان نیز بسیار محدود می‌باشد. آزادیهای مذهبی در این کشور به شدت نادیده گرفته می‌شود و اقلیت شیعیان این کشور با مشکلات فراوانی روبرو هستند.

نظام‌های بسته بسیار شکننده و از گردش اطلاعات بیمناک می‌باشند. همچنین ساختارهای متصلب در رویارویی‌های سیاسی آسیب پذیر می‌باشند. کوچک ترین آگاهی بخشی در این جوامع به دلیل عدم برخورداری از ظرفیت لازم برای هضم و پذیرش، می‌تواند به پاشنه‌ی آشیل این دولتها تبدیل شود.

عربستان سعودی به خبرنگاران شبکه العالم در این کشور اجازه‌ی فعالیت نمی‌دهد. این شبکه با مشکلات فراوانی جهت فعالیت خبری در این کشور مواجه است. با این حال العالم اخبار، گزارش‌های ویژه و برنامه‌های تحلیلی در راستای رسالت خبری خود از این

کشور تهیه می‌کند که موجبات نگرانی شدید دولت سعودی را فراهم آورده است. این شبکه در وب سایت خود بخشی به نام المملکه تحت المهجر ایجاد کرده است که به پوشش وسیعی از تحولات داخلی و تحرکات منطقه‌ای و بین‌المللی این کشور به صورت روزانه می‌پردازد. العالم در برنامه‌های پر بیننده‌ای همچون مع‌الحدث، الحقیقه این، تحت‌الرماد و تحت‌الضوء در مورد نقش عربستان در حملات تروریستی و بی‌ثباتی منطقه‌ای، به مشکلات حقوق بشری، سرکوب‌های داخلی و... در این کشور پرداخته است.

العالم در چند ماه اخیر گزارش‌هایی از اعتراضات شیعیان نسبت به رفتارهای تبعیض آمیز دولت عربستان و ناایده گرفتن حقوق اقلیت شیعی و سرکوب این اعتراضات توسط دولت سعودی پخش نموده که با ناخرسندی عربستان همراه شده است.

شبکه العالم در خبری فاش کرد که، عربستان سعودی برای گسترش وهابیت در 30 سال گذشته، مبلغ 86 میلیارد دلار به الازهر کمک نموده است. العام همچنین گزارشی درخصوص انتقاد روحانیون شیعه عراق از حمایت عربستان از تروریست‌ها در عراق و صدور فتوای تکفیر توسط علمای وهابی این کشور تهیه نمود.

العالم چندی پیش نیز گزارش‌هایی در خصوص اقدام عربستان در بستن مساجد هفت‌گانه‌ی مدینه منوره بر روی نمازگزاران و تصمیم به تخریب آنها و همچنین درگیری نیروهای عربستان با دانشجویان دختر دانشگاه طایف پخش نمود.

این شبکه هم چنین در گزارشی، اعلام کرد که مسئولیت انفجار برج‌های الخبر که بر اساس آن 19 نظامی آمریکایی کشته و 372 تن دیگر زخمی شدند، بر عهده القاعده است که عربستان با مانع تراشی بر سر راه منابع تحقیق کننده، سعی در نسبت دادن آن به ایران و شیعیان این کشور داشته است. سعد الفقیه مخالف عربستانی، در مصاحبه با شبکه العالم اظهار داشت: عربستان برای پنهان نگاه داشتن درگیریهای داخلی این مسأله را پنهان نموده است.

مقاومت روحانیون و اعضای برجسته‌ی خاندان آل سعود در برابر اصلاحات، عنوان گزارش دیگری است که شبکه‌ی العالم بدان پرداخت. ابراهیم مقیطب، رییس جمعیت حقوق بشر در عربستان، می‌گوید: عربستان بسیاری از توافقنامه‌های بین‌المللی را امضا می‌کند؛ اما به هیچ‌کدام از آنها پایبند نیست و این به‌خاطر مقاومت نیروهای ضد اصلاحات در این کشور می‌باشد.

آنچه رسانه‌های عربستانی را خشمگین ساخته است که بر اساس آن حملات رسانه‌ای زیادی را علیه جمهوری اسلامی ایران تشدید نمایند، عملکرد رسانه‌های بین‌المللی ایرانی است. به‌طور مثال پس از عملکرد العالم در جنگ غزه و افزایش مخاطبان آن و در پی تنزل العربیه بر اساس موضع‌گیری آن ضد جریان مقاومت، رسانه‌های وابسته به عربستان علیه شبکه‌ی العالم موجی از مطالب انتقادی و حتی تخریبی به راه انداختند.

شبکه‌ی العالم در برنامه‌ی مع‌الحدث، یکی از پربیننده‌ترین برنامه‌های این شبکه، به بررسی گزارش سازمان دیده‌بان حقوق بشر پرداخت که مهمان این برنامه آقای کریستوف ویکلی تهیه‌کننده‌ی گزارش فوق، به انتقاد از وضعیت حقوق بشر در عربستان و بازداشت هزاران نفر در عربستان به بهانه‌ی مبارزه با تروریسم به شدت انتقاد کرد. این موضوع باعث گردید که روزنامه مشهور عکاظ در مقاله‌ای به قلم اسماء محمد به شدت به العالم حمله نماید.

العالم در خبری به نقل از مجله معروف «foreign policy» اعلام نمود که عربستان میان فهرست ده کشور خطرناک جهان قرار دارد. این خبر که در بسیاری دیگر از رسانه‌های جهان و دنیای عرب نیز منعکس شد، موجب خشم دولت عربستان گردید.

العالم در حالی به اطلاع رسانی رویدادهایی عربستان سعودی می‌پردازد که رسانه‌های داخلی عربستان و حتی شبکه‌ی العربیه از پوشش این رویدادها بر حذر می‌باشند.

این عمل العالم موجب گردید سایت ایلاف، وابسته به دولت عربستان، مقالات متعددی علیه این شبکه منتشر نماید.

رسانه‌های سعودی در حالی به برجسته سازی رویدادهای سیاسی ایران می‌پردازند که در کشور خود هیچ گونه زمینه‌ای برای این گونه فعالیت‌ها ندارند؛ به طوری که یکی از نکات بسیار جالب در شبکه العربیه آن است که به هیچ وجه به مسایل داخلی عربستان نمی‌پردازد و نیز هیچ گاه به نقد سیاست خارجی این کشور در خاورمیانه و یا منطقه روی نمی‌آورد. در حقیقت شبکه تلویزیونی «العربیه» یک چهره‌ی کاملاً وارونه از جامعه‌ی عربستان نشان می‌دهد و همین امر، خود دلیلی روشن است که این شبکه از سوی عربستان سعودی خط‌دهی می‌شود.

دکتر و مضامی الرشید، در مقاله‌ای در القدس العربی می‌نویسد: جامعه‌ی عربستان به یک جامعه‌ی ضعیف تبدیل شده که درگیرهای داخلی آنرا فرسوده کرده است، به حدی که قدرت خود را درباره‌ی ترسیم آینده‌ی خویش از دست داده و تسلیم امر استبداد شده است؛ حکومت نظر خود را از بالا تحمیل و از شکاف و دو دستگی داخلی در جامعه سوء استفاده و از شکل‌گیری جبهه‌ی داخلی به زیان قدرت استبدادی جلوگیری می‌کند.

حکومتی که از شکل‌گیری احزاب برای مشارکت در قدرت جلوگیری می‌نماید و آنها را به سمت دو دستگی داخلی منحرف و در عمل از شکل‌گیری هرگونه فعالیت انتقادی ممانعت به عمل می‌آورد، با برجسته سازی رویدادهای داخلی یک کشور دیگر جز به فراکنی از امور داخلی خود به چه می‌اندیشد؟

عربستان سعودی برای فرار از پاسخ‌گویی در مقابل انتقادات نسبت به عدم پایبندی به اصول مردمسالاری، حقوق بشر و رفتار تبعیض آمیز با اقلیت‌ها در سطح داخلی، ناتوانی از رقابت منطقه‌ای با ج. ا. ایران و کاهش نفوذ آن در کشورهای خاورمیانه، متوسل به

عملیات روانی و جنگ رسانه‌ای شده است؛ امری که با صرف هزینه‌های گزاف و همراه شدن با جریان رسانه‌ای غرب می‌خواهد آنرا محقق کند.

بهترین شیوه برای پاسخگویی به این سیاست عربستان سعودی، مقابله‌ی رسانه‌ای است، امری که شبکه العالم می‌تواند به مقابله با آن پردازد و در گذشته نیز به خوبی از عهده‌ی آن برآمده است (www.tabnak.ir).

نتیجه‌گیری

پادشاهی سعودی در بُعد منطقه‌ای و فراتر از آن در حوزه‌ی جهان اسلام نقشی مهم برای خود قایل است و با حمایت‌های مالی گسترده از کشورهای اسلامی و جنبش‌های اسلامی (البته به طور گزینشی)، در پی بسط حوزه‌ی نفوذ خود بوده است. ایران و عربستان همواره به عنوان دو کشور و دو قدرت تأثیرگذار جهان اسلام، در منطقه خاورمیانه و خلیج فارس مطرح بوده‌اند و هر کدام بنا به دلایل مشابه و متفاوت، نقشی برتر برای خود در روند تحولات منطقه‌ای قایل می‌باشند.

مسایل ایدئولوژیک نقش تعیین‌کننده‌ای در سیاست خارجی دارد، در این راستا سیاست خارجی عربستان در قبال جمهوری اسلامی ایران به شدت تحت تأثیر مسایل و رفتارهای ایدئولوژیک و ارزشی می‌باشد با توجه به تقابل مسایل ایدئولوژیک ایران و عربستان در منطقه، مواضع عربستان در قبال ایران و سیاست‌های منطقه‌ای ایران منفی و در تعارض قرار دارد. مسایل ایدئولوژیک عربستان از جمله وهابیت و مذهب سنی، حمایت از گروه‌های سنی مذهب و رهبری جهان اسلام و روابط خاص با غرب در رقابت با سیاست‌های ایران در این حوزه‌ها قرار دارد و هردو کشور در این موارد دارای مواضع متضادی نسبت به یکدیگر هستند. این تقابل ایدئولوژیک سبب مقابله‌ی عربستان با

سیاست‌های منطقه ایران و اتخاذ مواضع خصمانه نسبت به رفتارهای منطقه‌ای ایران شده است و این مسأله باعث رقابت دو کشور برای نفوذ در عراق و لبنان گردیده است و عربستان سعی دارد با نفوذ منطقه‌ای ایران در این مناطق مقابله کند؛ این رقابت منطقه‌ای همچنین موجب اتخاذ مواضع منفی عربستان در قبال برنامه‌ی هسته‌ای ایران و مقابله با ایران بر سر نفوذ در لبنان و عراق همچنین تبلیغات رسانه‌ای گسترده علیه ایران و مقابله با گسترش نفوذ ایران در پی تحولات اخیر خاورمیانه شده است و عربستان در این راستا سعی در شیعه‌هراسی و ایران‌هراسی در منطقه برای مقابله با نفوذ ایران دارد.

منابع

- ابراهیمی، ن. (1384). «شورای همکاری خلیج فارس و برنامه هسته‌ای ایران». *روزنامه شرق*، شماره 622، ص 5.
- برزگر، ک. (1388). «سیاست خارجی ایران از منظر رئالیسم تدافعی و تهاجمی». تهران: *فصلنامه روابط خارجی*، سال اول، شماره 1.
- دهقانی فیروزآبادی، س. ج. (تابستان و پاییز 1386)، «رویکرد اعراب به برنامه هسته‌ای ایران». *فصلنامه‌ی مطالعات خاورمیانه*، سال چهاردهم، شماره 2.
- نادری نصب، پ. (1389). «چالش‌های روابط جمهوری اسلامی ایران و عربستان در منطقه»، *فصلنامه سیاست*. مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی. دوره 40، شماره 1.
- جمیری، م. (1389)، «بررسی و تبیین نقش فرامنطقه‌ای ایالات متحده آمریکا در روابط جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی پس از 11 سپتامبر». *دانشگاه امام صادق*.
- لطفیان، س. (1387). «ایران و خاورمیانه: انتخاب‌های دشوار و موضوعیت واقع‌گرایی». *فصلنامه سیاست*. مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی. دوره 38، شماره 3، صفحات 191-216.

- آقایی، د. احمدیان، ح. (1389). «روابط جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی؛ چالش‌های بنیادین و امکانات پیش‌رو». *فصلنامه سیاست*. مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی. دوره 40. شماره 3، صفحات 1-19.
- اکبری کریم آبادی، ن. (1390). «ایران و تحولات جدید منطقه؛ فرصت‌ها و چالش‌های پیش‌رو». *ماهنامه پیام انقلاب*.
- حاجی یوسفی، ا. م. (1388). «هلال شیعی؛ فرصت‌ها و تهدیدها برای جمهوری اسلامی ایران، اعراب و آمریکا». *فصلنامه دانش سیاسی*. سال پنجم. شماره اول. صفحات 192-159.
- صالحی، ح. (1390). «مناسبات راهبردی امارات متحده عربی با جمهوری اسلامی ایران». *فصلنامه مطالعات راهبردی*. سال چهاردهم. شماره اول.
- یوسف‌نژاد، ا. (1384). «روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه عرب». *مجلس و پژوهش*. سال دوازدهم. شماره 48.
- ملکی، ع. (1387). «کندوکاو در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران (۲)». روابط با عربستان در بوته تحلیل و نقد». *راهبرد یاس*. سال دوم، شماره ۹.
۱۳. قنبرلو، ع. (۱۳۹۰). «الگوهای قدرت نرم در خاورمیانه». *فصلنامه مطالعات قدرت نرم*. سال اول. شماره اول.
- جمشیدی‌راد، ج. (۱۳۸۹). «فرقه وهابیت و اهداف سیاسی آن». *فصلنامه مطالعات سیاسی*. سال سوم، شماره ۹.
- حافظ‌نیا، م. ر.، رومینا، ا. (۱۳۸۶). «تحول روابط ایران و عربستان و تأثیر آن بر ژئوپلیتیک خلیج فارس». *فصلنامه تحقیقات جغرافیایی*. شماره ۷۷.
- هادیان، ح. (۱۳۸۵). «کاوشی در روابط ایران و عربستان سعودی در پرتو شرایط جدید منطقه‌ای». *فصلنامه راهبرد*. شماره ۳۹.

اخوان کاظمی، ب. (۱۳۷۹). «واگرایها وهمگرایها در روابط ایران و عربستان». فصلنامه مطالعات خاورمیانه. سال هفتم. شماره 2. صفحات ۱۱۵-۱۴۵.

واعظی، م. (۱۳۸۷). «روابط ایران و عربستان در پرتو اعتماد متقابل». معاونت پژوهشهای سیاست خارجی، مرکز تحقیقات استراتژیک. شماره ۴۲.

اسپوزیتو، ج. ا. (۱۳۸۸). «انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن». (م. مدیرشانه چی، مترجم). انتشارات باز. تهران.

بهرامی مقدم، س. (۱۳۸۸). «رقابت قدرت بین جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی در خاورمیانه ۲۰۰۳-۲۰۰۸». پایان نامه ارشد. دانشگاه علامه طباطبائی.

مظاهری، م. م. احمدزاده، د. (۱۳۸۸). «بررسی چالش‌های ساختاری در روابط مصر و ایران». فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا. شماره چهارم. صفحات ۱۵۵-۱۷۸.

Marty, Martin & R. Scott Appleby, (1992), *The Glory and The Power :Fundamentalist Challenge to the Modern World*. Boston :Beacon Press.

<http://www.asriran.com/fa/print/105705> (2 of 2)2011/01/22

<http://www.sitepars.com/News/233862>

http://www.fetrat.com/WFM_Article.aspx?FLD_ID

<http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=9004220620>

<http://www.shia.news.com/fa/new/27651/>

<http://www.tabnak.ir/fa/new/6758/htm>

<http://www.aftabnews.ir/vdcccplqsx2bqi&8.ala2.html>

<http://www.mashreghnews.ir/fa/news/54990>

<http://www.entekhab.ir/fa/news/56122/%D8%A8%D8%B1>

<http://hamshahrionline.ir/news-141458.aspx>

<http://www.aljazeera.com/programmes/insidestory>

<http://www.irdiplomacy.ir/fa/news/58/bodyView/9707/0/html>

<http://www.tabnak.ir/fa/news/62376>